

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
هشت	پیشگفتار
۱	فصل اول: کلیاتی از واقعیت تاریخی اقتصاد اسلامی
۱	۱-۱ مکتب و نظام اقتصادی صدر اسلام
۱	۱-۱-۱ مقدمه‌ای بر روش‌های کشف مکتب و نظام اقتصادی اسلام
۳	۱-۱-۲ مکتب اقتصادی اسلام
۸	۱-۱-۳ تأثیر ارزش‌های اسلامی در شکل‌گیری اقتصاد و تمدن اسلامی
۸	۱-۱-۴ چهارچوب اولیه مکتب اقتصادی اسلام (پی‌ریزی ارکان رفتار اسلامی در عرصه اقتصاد)
۱۴	۱-۱-۵ شکل‌گیری نظام اقتصادی صدر اسلام
۲۴	۱-۲ اقتصاد در تمدن اسلامی
۳۳	۱-۳ اندیشه‌های اقتصادی علمای اسلامی
۳۳	۱-۳-۱ حذف بخشی از تاریخ تفکر اقتصاد در ادبیات متعارف اقتصادی
۳۶	۱-۳-۲ برخی نظرات و آراء علما و متفکران اسلامی
۴۸	۱-۴ نظریه‌های اقتصاد اسلامی در زمان معاصر
۵۱	فصل دوم: ماهیت و جایگاه اقتصاد اسلامی
۵۲	۲-۱ رابطه علم و دین
۵۴	۲-۱-۱ علم دینی
۵۶	۲-۱-۲ انواع نگرش درباره رابطه علم و دین
۶۰	۲-۲ بررسی رابطه اقتصاد اسلامی و علم اقتصاد (در چهارچوب رابطه علم و دین)
۶۱	۲-۲-۱ دیدگاه اول: تفاوت در قلمرو اقتصاد اسلامی و علم اقتصاد
۷۴	۲-۲-۲ دیدگاه دوم: تعارض و تضاد علم اقتصاد با اقتصاد اسلامی
۸۷	۲-۲-۳ دیدگاه سوم: رابطه تعاضد و تعاون میان علم اقتصاد و اقتصاد اسلامی
۱۱۰	۲-۳ تحلیل مقایسه‌ای رابطه بین اسلام و دانش اقتصاد بر اساس دلالت آیات و روایات اسلام
۱۱۱	۲-۳-۱ گزاره‌های هنجاری
۱۱۲	۲-۳-۲ گزاره‌های اثباتی
۱۱۴	۲-۳-۳ رابطه میان گزاره‌های اثباتی و گزاره‌های هنجاری

صفحه	عنوان
۱۱۵	۲-۴ حوزه‌های معرفتی اقتصاد اسلامی
۱۱۶	۲-۴-۱ عرصه‌های نظری اقتصاد اسلامی
۱۱۸	۲-۴-۲ عرصه‌های راهبردی و اجرایی اقتصاد اسلامی
۱۲۲	فصل سوم: ساختار نظری اقتصاد اسلامی
۱۲۲	۳-۱ نقش مبادی متافیزیکی و جهان‌بینی در نظریه‌پردازی علمی
۱۲۲	۳-۱-۱ رویکرد پارادایمی
۱۲۴	۳-۱-۲ تأثیر گذاری مبانی فلسفی در شکل‌گیری نظریه‌های علمی
۱۲۶	۳-۱-۳ ارکان نظریه‌های علم اقتصاد
۱۲۷	۳-۲ ارکان اقتصاد اسلامی
۱۲۷	۳-۲-۱ رکن اول: اصول موضوعه و نظام انگیزشی
۱۲۸	۳-۲-۲ رکن دوم: چهارچوب نهادی و نظام ارزشی
۱۲۸	۳-۲-۳ رکن سوم: مجموعه قوانین و فرضیه‌های عمومی متعلق به موضوع علم
۱۲۹	۳-۳ درآمدی بر معرفی گزاره‌های محوری حاکم بر ارکان و هسته سخت نظریه‌های اقتصاد اسلامی
۱۳۰	۳-۳-۱ رکن اول: اصول تکوینی یا جهان‌بینی اقتصادی اسلام
۱۳۹	۳-۳-۲ رکن دوم: اصول تشریحی یا مبانی حقوقی اقتصاد اسلامی
۱۴۶	۳-۳-۳ گزاره‌های مربوط به رکن سوم: گزاره‌های وصفی و اثباتی اقتصاد اسلامی
۱۴۹	۳-۴ مبانی انگیزشی رفتار اقتصادی در اقتصاد اسلامی
۱۴۹	۳-۴-۱ ظلی و امانتی بودن مالکیت بر اموال
۱۵۰	۳-۴-۲ ضرورت تبعیت درآمد از معیارهای حق و عدل
۱۵۱	۳-۴-۳ اصالت توأم «فرد» و «جامعه»
۱۵۱	۳-۴-۴ تأثیر گذاری ارزش‌ها و عوامل اخلاقی
۱۵۱	۳-۵ چهارچوب ارزشی نظام مسائل اقتصادی از منظر اقتصاد اسلامی: بررسی موردی
۱۵۲	۳-۵-۱ چهارچوب ارزشی نظام مسائل اقتصاد اسلامی از دیدگاه عبدالرحمن یسری
۱۵۴	۳-۵-۲ تفاوت ماهوی قضاوت‌های ارزشی اقتصاد رفاه اسلامی با قضاوت‌های ارزشی ...
۱۶۰	فصل چهارم: مبانی نظریه‌پردازی و نظام‌سازی اقتصاد اسلامی
۱۶۰	۴-۱ اهمیت و ضرورت نظام‌سازی اقتصاد اسلامی در زمان معاصر
۱۶۱	۴-۱-۱ مواجهه علمی با نظام‌های اجتماعی و اقتصادی امروز
۱۶۳	۴-۲ روش ترکیبی برای نظام‌سازی اقتصاد اسلامی
۱۶۵	۴-۲-۱ فقه نظریه (حرکت از احکام به قواعد)
۱۶۷	۴-۲-۲ فقه نظامات و فقه حکومتی

۱۶۸	۴-۲-۳ ساختار برنامه‌های پژوهشی اقتصاد اسلامی (حرکت از اصول زیربنا به قواعد راهبردی)
۱۷۰	۴-۲-۴ روش تحلیلی
۱۷۲	۴-۲-۵ روش استنباط از قضایای اثباتی اقتصاد اسلامی
۱۷۳	۴-۳ ساختار و فرایند نظریه‌پردازی در عرصه نظام‌سازی اقتصاد اسلامی
۱۷۴	۴-۳-۱ مراحل منطقی نظریه‌پردازی در اقتصاد اسلامی
۱۷۵	۴-۳-۲ سازگاری با هسته سخت نظریه‌های اقتصاد اسلامی
۱۷۷	۴-۳-۳ ساختار منطقی، انسجام نظریه و امکان‌پذیری تجزیه و تحلیل عقلی
۱۷۹	۴-۳-۴ آزمون فرضیه، ارزیابی اثربخشی و پیشروی برنامه
۱۸۲	۴-۳-۵ ارزیابی پیشرفت برنامه
۱۸۳	۴-۴ قلمروها و انواع نظریه‌های اقتصاد اسلامی
۱۸۳	۴-۴-۱ نظریه‌های اقتصاد اسلامی در عرصه فقه الاقتصاد
۱۸۶	۴-۴-۲ نظریه‌های اقتصاد اسلامی در عرصه تبیین وضعیت مطلوب در جامعه اسلامی
۱۹۱	۴-۴-۳ نظریه‌های اقتصاد اسلامی در خصوص تبیین رفتار واقعی در جوامع اسلامی
۱۹۳	۴-۴-۴ نظریه‌های راهبردی اقتصاد اسلامی
۱۹۴	۴-۵ مسئله ثابت و متغیر (نسبیت) در نظام‌سازی اقتصاد اسلامی
۱۹۵	۴-۵-۱ جایگاه ارزش‌ها و قوانین ثابت در نظریه‌پردازی اقتصاد اسلامی
۱۹۶	۴-۵-۲ توجه به مقتضیات زمان و مکان در نظام‌سازی اقتصاد اسلامی
۱۹۸	۴-۵-۳ جایگاه مصلحت و نسبییت در نظام‌سازی اقتصاد اسلامی
۲۰۰	۴-۵-۴ ضرایب اهمیت متغیرهای تصمیم‌گیری در عرصه نظام‌سازی
۲۰۱	۴-۵-۵ فرایند تبدیل متغیرهای ارزشی به متغیرهای قابل اندازه‌گیری
۲۰۲	۴-۶ بررسی حجیت و اعتبار گزاره‌های نظام‌سازی اقتصاد اسلامی
۲۰۳	۴-۷ جایگاه نظام اعتباریات در نظریه‌پردازی اقتصاد اسلامی
۲۰۵	۴-۷-۱ نقش اراده عامل انسانی در شکل‌گیری واقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی
۲۰۶	۴-۷-۲ تفاوت علوم طبیعی با علوم انسانی از منظر اعتباریات
۲۰۸	۴-۷-۳ نظام صحیح اعتباریات
۲۱۰	۴-۷-۴ کاربرد نظریه اعتباریات در ساخت بخش تطبیقی اقتصاد اسلامی

منابع و مأخذ

منابع فارسی و عربی

منابع لاتین

این کتاب را به روح بلند عالم دین و عارف بزرگ، تکمیل کننده نسخه‌های نایاب مجموعه عظیم بحار الانوار، جد بزرگوار پدری (از ناحیه مادرشان) و مادری ام (از ناحیه پدرشان)، مرحوم ملامحمدرضا بن علی الویشلی (رحمة الله علیه) تقدیم می‌کنم.

پیشگفتار

اقتصاد اسلامی به منزله علم و دانشی جدید از قدمتی کمتر از یک قرن برخوردار است. با پایان جنگ جهانی دوم و به دنبال رهایی کشورهای اسلامی از سلطه استعمارگران، علما و متفکران اسلامی به این فکر افتادند که راه حل مشکلات اقتصادی جامعه معاصر را نه در نهادها و الگوهای وارداتی، بلکه در چهارچوب شریعت اسلام و تعالیم روح بخش قرآن کریم و سنت نبوی و امامان شیعه (علیهم السلام) جستجو کنند. از این رو، اقتصاد اسلامی در این بستر فکری و اجتماعی شکل گرفت، که به دنبال یافتن بهترین راهکارها برای کسب درآمد حلال در چهارچوب اصول و موازین اسلامی و حفظ تعادل اجتماعی، زیست محیطی و خانوادگی است. مهم‌ترین نمود اقتصاد اسلامی با معرفی روش‌های تأمین مالی مبتنی بر عقود اسلامی و با حذف معاملات ربوی و غرری و نفی قمار و سایر محرّمات آغاز شد و به تدریج به سایر نهادهای اقتصادی در عرصه‌های بیمه، مالیات و حکمرانی تعمیم و ابعاد گسترده‌تری یافت. با این همه، باید توجه داشت که اقتصاد اسلامی علم جدیدی است، اگرچه اصول و مبانی شرعی آن بیش از چهارده قرن قدمت دارد.

طی نیم قرن اخیر مطالب زیادی در راستای تبیین ابعاد مختلف اقتصاد اسلامی به رشته تحریر درآمده است، اما اغلب کتاب‌ها و نوشته‌ها، به ویژه در کشور ما، اقتصاد اسلامی را بر اساس ضرورت تطبیق رفتارهای اقتصادی با موازین اسلامی تعریف و تبیین کرده‌اند و بیشتر کتاب‌های اقتصاد اسلامی به جستجوی احکام شرعی رفتار اقتصادی پرداخته‌اند و لذا به طور عمده در این کتاب‌ها، جوانب مکتبی اقتصاد اسلامی مورد توجه قرار گرفته است.

در کتاب حاضر، در عین حال که به همه ابعاد و گستره مفاهیم و عرصه‌های اقتصاد اسلامی توجه شده، به طور خاص چهارچوب نظری اقتصاد اسلامی تبیین شده است تا زمینه‌ساز معرفی «علم اقتصاد اسلامی» باشد. این مسئله از این نظر مهم است که اغلب رویکردهای متفکران اسلامی در عصر حاضر به دلایل مختلف در برابر اقتصاد متعارف، به نوعی، منفعلانه

بوده و اغلب این نوشته‌ها، اشراف زیادی به مبانی فلسفی و نظری اقتصاد متعارف نداشته‌اند. اما در این کتاب با رویکرد استقلال فکری و با تکیه بر اصول و موازین و مفاهیم متّخذ از قرآن، سنت، روایات و تعالیم پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (علیهم السلام) و نیز دست‌مایه‌های فکری حکما و علمای مسلمان، مبانی نظری رفتار اقتصادی تبیین شده است.

کتاب، حاصل بیش از سی سال تجربه تدریس این درس در دانشگاه‌های امام صادق (ع) و تهران بوده است و شکی نیست نقدها و نکات ارزنده دانشجویان عزیز و اساتید ارجمندم در تکامل این مباحث و موضوعات بسیار مؤثر و تعیین کننده بوده است. جا دارد، در اینجا به طور خاص از استاد معزّز مرحوم آیت الله مهدوی کنی (ره) یاد کنم که یکی از مهم‌ترین دغدغه‌هایش گسترش ادبیات اقتصاد اسلامی به نحو علمی و بر پایه معارف حقه دین مبین اسلام بوده است. آن مرحوم بارها بنده را به تکمیل و چاپ این مجموعه تشویق کردند و خوشحالم که اولین کتابم در این زمینه امسال چاپ می‌شود.

همچنین شایسته است از زحمات و کمک‌های فکری برخی از دانشجویان دکتری خود، به ویژه جناب دکتر سید عقیل حسینی، تشکر کنم که چند سال پیش به تبویب اولیه این کتاب همت گماشت. به همین ترتیب، از دقت نظر و راهنمایی‌های ارزنده آقایان دکتر حسن سبحانی و دکتر مرتضی عزتی داوران محترم این نوشتار تقدیر و تشکر می‌کنم که با وسعت نظر و آگاهی خوبی که از دیدگاه‌ها و گرایش‌های مختلف در عرصه اقتصاد اسلامی داشتند به اتقان مطالب این کتاب افزودند.

این کتاب برای تدریس درس «اقتصاد اسلامی» در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری مفید است و البته بخش‌هایی از آن را می‌توان برای تدریس درس «اصول و مبانی اقتصاد اسلامی» استفاده کرد که اخیراً به عنوان درس رسمی رشته اقتصاد در دانشکده‌های مختلف اعلام شده است. با همه دقتی که در تبیین نظری و رعایت نظم منطقی و انسجام بخشی این کتاب به عمل آورده‌ام، این نوشتار نیز حتماً اشکالات و نواقص نظری و ادبی زیادی دارد که امیدوارم با راهنمایی اساتید و دانشجویان محترم در چاپ‌های بعدی این نواقص برطرف شود.

از خداوند بزرگ مسألت دارم به بنده این توفیق را عنایت فرماید که به منظور تکمیل این نوع موضوعات و برای ادامه منطقی این کتاب بتوانم کتاب‌های جدیدی را نیز به رشته تحریر درآورم تا بدین ترتیب در تکمیل پارادایم اقتصاد اسلامی مؤثر باشم، ان شاء الله و لله الحمد.

حسین عیوضلو

زمستان ۱۳۹۹